

رابطه دعا و قانون جذب در اندیشه مولانا با تأکید بر ادعیه بقعه مولانا در قونیه

چکیده

دعا یکی از مفاهیم کهن دینی در تاریخ زندگی بشر است و از ادوار گذشته تاکنون در اشکال مختلفی منعکس شده است. بررسی این مقوله در اندیشه مولانا دربردارنده نکات بسیاری است. این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای و سندکاوی، به بحث و بررسی پیرامون رابطه بین دعا و قانون جذب از منظر مولانا می‌پردازد، آنگاه مصادیق متنوع دعا و قانون جذب را در مثنوی مولانا مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد. نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با وجود شباهت‌هایی که دعا و قانون جذب در مثنوی مولانا نسبت به همدیگر دارند؛ تفاوت‌هایی نیز میان قانون جذب و دعا وجود دارد. از جمله شباهت دعا و قانون جذب در جهان‌بینی مولانا کارکرد تقریباً مشابه آن‌ها می‌باشد. در هر دو، انسان به دنبال رسیدن به هدف خود است. به عبارت دیگر، قانون جذب و دعا هر دو خواسته‌ای از انسان را برآورده می‌کنند. ولی با این حال، تفاوت‌هایی که بین آن‌ها وجود دارد. از جمله اینکه در قانون جذب، انسان با خود نیازش را در میان می‌گذارد. در اندیشه مولانا، «طلب حاجت» از خداوند صورت می‌گیرد. در قانون جذب انسان فرمان می‌دهد و طلبکارانه خواهش خود را مطرح می‌کند؛ در مثنوی مولانا انسان خواسته خود را توأم با خشوع و خضوع به زبان جاری می‌کند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ارتباط بین قانون جذب و دعا در اشعار مولانا.
۲. شناخت جایگاه ادعیه در کتیبه‌های بقعه مولانا.

سوالات پژوهش:

۱. چه ارتباطی بین قانون جذب و دعا در اشعار مولانا وجود دارد؟
۲. ادعیه در بقعه مولانا چه جایگاهی دارند؟

کلیدواژه‌ها: دعا، قانون جذب، انسان، مولانا، مثنوی.

مقدمه

انسان و خداوند رابطه‌ای دوجانبه دارند. خداوند از طریق وحی و الهام و اشراق و افاضات دیگر با انسان رابطه برقرار می‌کند؛ انسان نیز در این رابطه، منفعل محض نیست، بلکه از طریق نیایش و دعا به خداوند تقرب می‌جوید. دعا نتیجه وجه رحمانیت خداوند است و تنها از این وجه است که بنده امکان می‌یابد که بدو تقرب جوید، والا میان خالق و مخلوق هیچ‌گونه سنخیتی نیست که بنده بدو نزدیک شود. وجه فاطریت، خالقیت، قهاریت و دیگر وجوه جلالیه خداوندی، امکان نزدیکی به ساحت اقدس او را نمی‌دهد مگر وجه رحمانیت خداوند. فقط از این وجه است که خداوند عروه‌الوثقای نیایش را به دست بشر داده تا بدو متصل شود. مولانا در باب دعا، علاوه بر آنکه لطیف و دلنشین سخن گفته، تعبیر تازه‌ای نیز آورده است.

آنچه در قانون جذب اهمیت بسیاری دارد، قدرت ذهن است. واژه ذهن به کرات در آثار فلسفی، روان‌شناسی و سایر علوم به کار رفته است؛ اما مفهوم و حقیقت آن چندان مورد توجه قرار نگرفته است. صدرالمآلهین ملاصدرای شیرازی، ذهن را چنین تعریف کرده است «استعداد نفس بر اکتساب علومی که برای نفس حاصل نیستند، سپس در مقام توضیح گفته است خداوند روح انسان را خالی از علم به اشیاء قرار داده و علی‌رغم اینکه او هیچ نمی‌داند، اما برای داشتن آمده است. پس نفس باید برای به دست آوردن این هدف و حصول علم توانا باشد و ذهن در واقع همین استعداد است» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۳۸-۱۳۷).

برخی از مسائل با وجود قدمتشان همچنان از مباحث مهم به‌شمار می‌روند. مسئله ذهن از آغاز تفکر فلسفی مورد توجه فلاسفه و حکما بوده است. از بین مسائل پیرامون ذهن، مسئله رابطه ذهن و بدن و تأثیر ذهن بر روی بدن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است، زیرا شناخت دقیق انسان مستلزم تحلیل و بررسی رابطه این دو است. در تعریف ذهن آمده است «ذهن مجموعه‌ای از حالات و رویدادها مثل افکار، باورها، عواطف، قصدها، احساسات، امیال، اهداف و ادراکات حسی است که در کل، حیات ذهنی هر شخص را تشکیل می‌دهد» (دهباشی و شجاعی، ۱۳۹۳: ۲). بین دعا و قانون جذب، وجوه اشتراک و تفاوت‌های وجود دارد، تحقیق حاضر، بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی، در پی تبیین و نقد دیدگاه‌های مولانا پیرامون تأثیر نگرش انسان بر رفتارهای فردی و اجتماعی وی است. در بقعه مولانا در قونیه نیز در بخش تزئینات معماری ادعیه جایگاهی مهمی دارند، بررسی این مقوله نیز از محورهای این پژوهش است.

باتوجه به مطالعات انجام‌شده تاکنون پژوهشی که در خصوص رابطه دعا و قانون جذب در مثنوی مولانا باشد، یافت نشده است، اما مهم‌ترین پژوهش‌ها، پیرامون مفاهیم نظری این تحقیق عبارت است از: از گلی‌زاده و یزدانجو (۱۳۹۵)، مقاله «تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی»، اندیشه‌های مثبت مولانا نظیر همدلی، عشق، شفقت و ... را از منظر روان‌شناسی مورد ارزیابی قرار داده‌اند و در لابه‌لای آن به صورت پراکنده به قدرت فکر از نظر مولانا توجه کرده‌اند. مظاهری‌سیف، (۱۳۹۰) در مقاله «نقد و بررسی نظریه راز» و شریفی‌دوست (۱۳۹۱) در مقاله «قانون جذب»، از نیز مقالاتی هستند که مبانی نظری قانون جذب را تا حدودی شرح و تفسیر کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

از منظر مولانا؛ دعا کردن وقتی در قانون جذب دارای قدرت و تأثیر است که فرد در انجام دعا خودش را به حالت اطمینان و ایمان از برآورده شدن حتمی خواسته‌هایش در آینده برساند. اگر فرد در انجام دعا از جایگاه نیاز و نداشتن خواسته‌هایش یا شک و تردید به اینکه خدا یا کائنات می‌تواند آن را برآورده کند صحبت کند بنابر قانون جذب نه تنها

به خواسته‌اش نخواهد رسید بلکه مانعی بر سر راه ورود آن به زندگی‌اش باقی می‌ماند. با وجود شباهت‌هایی که دعا و قانون جذب در مثنوی مولانا نسبت به همدیگر دارند، تفاوت‌هایی نیز میان قانون جذب و دعا وجود دارد. از جمله شباهت دعا و قانون جذب در جهان‌بینی مولانا کارکرد تقریباً مشابه آن‌ها می‌باشد. در هر دو انسان به دنبال رسیدن به هدف خود است. به عبارت دیگر، قانون جذب و دعا هر دو خواسته‌ای از انسان را بر آورده می‌کنند. ولی با این حال، تفاوت‌هایی که بین آن‌ها وجود دارد.

در قانون جذب، انسان با خود نیازش را در میان می‌گذارد؛ در اندیشه مولانا، «طلب حاجت» از خداوند صورت می‌گیرد. در قانون جذب انسان فرمان می‌دهد و طلبکارانه خواهش خود را مطرح می‌کند؛ در مثنوی مولانا انسان خواسته خود را توأم با خشوع و خضوع به زبان جاری می‌کند. در قانون جذب، انسان بر کرسی خدایی نشسته و «خودخدایی» می‌کند؛ در بیان مولانا، «طلب حاجت» به شکل تمنا و عرضه نیاز صورت می‌گیرد. قانون جذب، از آنجا که ادعای «قانون» دارد، ادعای حصول قطعی نتیجه را داشته و نتیجه‌گراست؛ در حالی که در مثنوی، انسان با دعای خود دنبال به کرسی نشاندن خواسته خود نیست؛ بلکه در عالم تراحم اسباب و علل، منتظر دستیابی به نتیجه دلخواه نیست و به آنچه خالق مهربان می‌پسندد، رضایت داده و به همان دل خوش می‌کند. در قانون جذب انسان با گاردی طلبکارانه و از جایگاه مافوق، با کائنات مواجه می‌شود؛ در اندیشه مولانا، انسانی که دعا می‌کند خود را در جایگاه مادون دیده و از قدرت برتر هستی، تمنا می‌کند.

مولانا همهٔ امور را به اندیشه و فکر ارجاع می‌دهد و بر این مهم تأکید می‌ورزد که ذهن و اندیشهٔ انسان، تنها آنچه را که می‌اندیشد و به باور خود رسانده است، به طریقی در بیرون مشاهده می‌کند؛ تاجایی که بهشت و دوزخ را همان افکار خوب و بد ما می‌داند. به عقیدهٔ مولانا نگرش مثبت و ایجاد افکار مثبت سبب جذب شور و امید می‌شود و برعکس افکار منفی سبب جذب امور نازیبا. مولانا جهان آدمی را بازتاب نگرش و اندیشهٔ او می‌داند و بر این باور است که هرگونه به جهان نگریسته شود، همان‌گونه جلوه‌گر خواهد شد، پس همان بهتر که با دیدی مثبت به جهان نگریسته شود. مولانا قانون جذب را به وسیلهٔ «این همانی» و هم‌جنس بودن مطرح می‌کند؛ آن‌گاه که یک جنس، جذب هم‌جنس خود می‌شود. در جهان‌بینی مولانا، هر تصویری بعد از سپرده شدن به ذهن زاد و ولد می‌کند و گستردگی و پیچیدگی می‌یابد. مولانا با تشبیه کردن فکر به «کهریا» جای تردید باقی نمی‌گذارد که وی به قانون جذب معتقد بوده است. در بقعهٔ مولانا در قونیه نیز کتیبه‌های دعایی متعددی ایجاد شده است.

فهرست منابع و مآخذ:

- الهی، بهرام. (۱۳۸۰). طب روح؛ مبانی معنویت فطری. تهران: جیحون.
- برن، راندا. (۱۳۹۴). راز. ترجمه: اسماعیل حسینی، تهران: راشین.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۲). پله پله تا ملاقات خدا. تهران: علمی.
- دهباشی، مهدی و شجاعی، نسرين. (۱۳۹۳). «تحلیل و ارزیابی رهیافت‌های گوناگون در رابطهٔ ذهن و بدن و نظر غالب ارسطو». پژوهش‌های علوم انسانی نقش جهان، شمارهٔ اول، ۱۶-۱.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۹۰). فکروارهٔ مثنوی. فهرست تفصیلی تفسیر و نقد مثنوی. تهران: مؤسسهٔ تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

- حلی، ابومنصور. (بی‌تا). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: چاپخانه مهدوی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- فرشاد، محسن. (۱۳۸۹). پیوند علم و عرفان؛ اندیشه‌های کوانتومی مولانا. چاپ پنجم، تهران: علم.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۸۷). احادیث مثنوی. تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۰). بحار الانوار. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مولانا، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۵). کلیات شمس. به تصحیح: بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ چهارم، تهران: علمی-فرهنگی.
- مولانا، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۴). مثنوی معنوی. به کوشش توفیق ه. سبحانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مولانا، جلال‌الدین محمد. (۱۳۳۰). فیہ ما فیہ. با تصحیحات و حواشی: بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۶). مولوی‌نامه، جلد ۲، چاپ نهم، تهران: هما.